



دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۵۴		۵۴
تاریخ تأسیس آذر	مندیات	قیمه اشتراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاكرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	داخله ایران سالیانه ده تومان
جلسه سه شنبه ۲۱	خواهد بود	خارجه ۴ دوازده تومان
خرداد ماه ۱۳۰۸	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاكرات در يك شماره منتشر میشود	قیمه تك شماره
مطابق ۳ محرم الحرام	مطبعه مجلس	يك قران
۱۳۴۸		

جلسه ۵۴

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس * سه شنبه ۲۱ خرداد ماه ۱۳۰۸ (۳ محرم ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) شور اول الحاق ایران به پروتکل لیتونیف
- (۳) شور اول عهدنامه مودت ایران و سوئد
- (۴) شور اول عهدنامه اقامت ایران و سوئد
- (۵) شور اول عهدنامه مودت ایران و بلژیک
- (۶) شور اول قرارداد ایران و اتحاد اقتصادی اوکزامبورک و بلژیک
- (۷) شور اول قرارداد ایران و اتحاد اقتصادی اوکزامبورک و بلژیک
- (۸) شور اول لایحه مرور زمان نسبت به اموال منقوله
- (۹) ختم جلسه و دستور جلسه بعد

مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

(۱) تصویب صورت مجلس

- صورت مجلس یکشنبه ۱۹ خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *
- رئیس - آقای فیروز آبادی
- آقا سید یعقوب قبل از دستور
- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟
- رئیس - آقای آقا سید یعقوب
- (کفتمند - خیر)

عین مذاکرات مشروح پنجاه و چهارمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستانای مذاکرات قبل از دستور (مطلق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است . غائبین با اجازه آقایان : حیدری - نوبخت - رهبری - فراگوزلو - بیانی - آصف - الفت - لرستانی - آقایان - شیرازی - طباطبائی و کیلی - حاج سید محمود - مهدوی - ارباب کیخسرو - غائبین بی اجازه آقایان : میرزا حسنخان وثوق - دکتر امیر اعلم - عمادی - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - تیمورتاش

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . لایحه اجازه الحاق دولت ایران به پروتکل لیتونیف مطرح است . قرائت میشود (بشرح آئی خوانده شد)

(۲) تصویب شور اول الحاق ایران به پروتکل لیتونیف

خبر از کمیسیون امور خارجه بمجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۱۴ خرداد ۱۳۰۸ لایحه نمره ۱۹۰۶ دولت را راجع بملحق شدن دولت ایران به پروتکل لیتونیف که مشتمل بر ۷ ماده و در ۱۴ فروردین ۱۳۰۸ دولت ایران شرکت خود را در آن معاهده اعلام داشته بود نحت مطالعه در آورده چون

پروتکل مزبور با سبک صلح دوستی دولت ایران موافق و مؤید معاهده نحریم جنگ بیسنهادی کلوک بود که قبلاً دولت ایران در آن شرکت نموده بود عیناً تصویب و ماده واحده ذیل را بساحت مقدس مجلس شورای ملی برای تصویب تقدیم میدارد

ماده واحده - مجلس شورای ملی الحاق دولت ایران را به پروتکل لیتونیف مورخه ۹ فوریه ۱۹۲۹ که مشتمل بر ۷ ماده میباشد و در ۱۴ فروردین دولت ایران شرکت خود را نسبت بآن اعلام داشته است تصویب می نماید

مخبر کمیسیون امور خارجه - دشتی

رئیس - شور اول و ماده واحده مطرح است . اعتراضی نرسیده است آقایان موافقین با شور دوم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون امور خارجه راجع بعهد نامه مودت بین دولتین ایران و سوئد مطرح است . قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

(۳) تصویب شور اول عهدنامه ایران و سوئد لایحه نمره ۳۱۴۷ دولت راجع بعهد نامه مودت بین دولتین ایران و سوئد که مشتمل بر پنج ماده و يك پروتکل اختتامیه بود در جلسه ۱۴ خرداد ۱۳۰۸ کمیسیون امور خارجه تحت شور در آمده اعتراضی نسبت بعهد مزبور نداشت لذا عیناً تصویب و اینک ماده واحده ذیل را برای تصویب بساحت مقدس مجلس شورای تقدیم میدارد ماده واحده - مجلس شورای ملی عهد نامه مودت بین دولتین ایران و سوئد را که در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸ (۱۰ مه ۱۹۲۹) باامضاء رسیده و مشتمل بر بیست و دو ماده و يك پروتکل اختتامیه است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا بدولت میدهد

مخبر کمیسیون امور خارجه دشتی

رئیس - شور اول و مذاکره در کلیات است اعتراضی نرسیده است رأی میگیریم بورود در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . در ماده ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ اعتراضی نرسیده است رأی میگیریم بورود در شور دوم آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . لایحه عهد نامه اقامت و تجارت بحر بینائی بین دولتین ایران و سوئد مطرح است (بشرح ذیل خوانده شد)

(۴) تصویب شور اول عهد نامه اقامت ایران و سوئد مطرح است کمیسیون امور خارجه در جلسه ۱۴ خرداد ۱۳۰۸ لایحه نمره ۳۱۴۸ دولت را راجع بعهد نامه اقامت و تجارت و بحر بینائی که مشتمل بر ۲۲ ماده و يك پروتکل اختتامیه و در تاریخ ۲۰ اردی بهشت ۱۳۰۸ بین دولت

ایران و سوئد منعقد و باامضاء رسیده بود نحت مطالعه در آورده و نسبت بمواد آن و همچنین پروتکل اختتامیه آن اعتراضی وارد نمی آمد علیهذا عیناً آنرا تصویب و ماده واحده ذیل را برای تصویب بساحت مقدس مجلس شورای ملی تقدیم میدارد

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهد نامه اقامت و تجارت و بحر بینائی ایران و سوئد را که در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸ (۱۰ مه ۱۹۲۹) باامضاء رسیده و مشتمل بر بیست و دو ماده و يك پروتکل اختتامیه است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا بدولت میدهد

مخبر کمیسیون امور خارجه دشتی

رئیس - شور اول و مذاکره در کلیات است اعتراضی نرسیده است رأی میگیریم بورود در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . در ماده ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ هیچکدام از این مواد اعتراضی نرسیده است نسبت به پروتکل اختتامیه هم اعتراضی نرسیده است رأی میگیریم برای ورود در شور ثانی آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون خارجه راجع بعهد نامه بین دولت ایران و بلژیک مطرح است (اینطور قرائت شد)

(۵) تصویب شور اول عهد نامه ایران و بلژیک خبر از کمیسیون امور خارجه بمجلس مقدس شورای ملی

و يك پروتکل اختتامیه بود و در ضمن لایحه ۳۱۴۵ دولت تقدیم مجلس شوری نموده بود نحت شور در آورده و هیچگونه نظریه اعتراض آمیزی نسبت بآن ابراد نگردید لذا آنرا عیناً تصویب و ماده واحده ذیل را برای تصویب تقدیم بساحت مقدس مجلس شورای ملی مینماید ماده واحده - مجلس شورای ملی عهد نامه مودت بین دولتین ایران و بلژیک را که مشتمل برشش ماده و يك پروتکل اختتامیه است و در تاریخ دوم خرداد ۱۳۰۸ باامضاء رسیده است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا بدولت میدهد

مخبر کمیسیون امور خارجه - دشتی

رئیس - شور اول و مذاکره در کلیات است . اعتراضی نرسیده است موافقین با ورود در شور مواد قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . در ماده ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ هیچکدام از این مواد اعتراضی نرسیده است نسبت به پروتکل اختتامیه هم اعتراضی نرسیده است رأی میگیریم بورود در شور ثانی آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . لایحه مربوط به قرار داد اقامت بین دولتین ایران و بلژیک مطرح است خبر کمیسیون قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

(۶) تصویب قرارداد اقامت ایران و بلژیک کمیسیون امور خارجه در جلسه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۸ لایحه نمره ۳۱۳۶ دولت را راجع بقرار داد اقامت بین دولت ایران و دولت بلژیک که مشتمل بر ۱۳ ماده و در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۸ باامضاء رسیده بود مطرح نموده و چون مخالفت و اعتراضی نداشتند عیناً تصویب و ماده واحده ذیل را برای تصویب بساحت مجلس شورای ملی تقدیم مینماید

ماده واحده - مجلس شورای ملی قرار داد اقامت دولتین ایران و بلژیک را مشتمل بر ۱۳ ماده که در تاریخ ۱۹ اردی بهشت ۱۳۰۸ با مضار رسیده تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آرا بدولت میدهد

مخبر کبیسون امور خارجه دشتی

رئیس - شور اول و مذاکره در کلیات است. اعتراضی رسیده است. رأی میگیریم بورد در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. در ماده ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ در هیچکدام اعتراضی رسیده است. رای گرفته میشود بشور دوم آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کبیسون خارجه راجع به لایحه قرار داد تجارت و بحر بیهای بین دولتین ایران و اتحاد اقتصادی بلژیک و لوکرامبورگ مطرح است. خبر کبیسون امور خارجه قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

۷) تصویب شور اول قرار داد ایران و اتحاد

اقتصادی بلژیک و لوکرامبورگ

لایحه نمرة ۳۱۴۴ دولت راجع به قرار داد تجارت و بحر بیهای بین دولتین ایران و اتحاد اقتصادی بلژیک و لوکرامبورگ که مشتمل بر ۱۲ ماده و یک پروتکل اختتامیه بود در جلسه ۱۴ خرداد در کبیسون امور خارجه تحت شور و مطالعه در آمده اعضاء کبیسون در مواد و پروتکل و مراسله متعاطیه معاهده مزبور هیچ گونه اعتراضی نداشته لذا آرا تصویب نموده و اینک ماده واحده ذیل را برای تصویب تقدیم ساحت مقدس مجلس شورای مینماید

ماده واحده - مجلس شورای ملی قرار داد تجارت

زمان از روزی که صاحب مال یا دائن مستحق مطالبه میشود ده سال است

ماده دوم - در دعوی سفار یا محجورین بر ولی یا قیم خود مدت مرور زمان از تاریخ بلوغ و رشد یا رفع حجر محسوب میشود

ماده سیم - در دعوی ذیل مدت مرور زمان سه سال است

۱ - دعوی راجعه بحقوقی که با قساط ماهیانه یا کتر گرفته میشود

۲ - دعوی راجعه بحق الوکاله و حق الملاج و امثال آنها ماده چهارم هرگاه کسی که مرور زمان بر علیه او بران دارد بوسیله عرضحال رسمی یا اظهاریه قانونی حق خود را مطالبه نماید مدت مرور زمان منقطع میشود و ای حصول مرور زمان گذشته مدت قانونی جدیدی زومت اینمدت جدید در مورد مرور زمان ده ساله سه سال در سایر موارد یکسال علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود

مرور زمان را بیش از یکمرتبه نمی توان منقطع نمود ماده پنجم - در موارد ذیل انقطاع مرور زمان حاصل نمیشود

۱ - در صورتیکه مدعی دعوی خود را مسترد دارد
۲ - در صورتیکه عرضحال بمحکمه که صلاحیت بدکی نداشته داده شده و ناسه ماه پس از ابلاغ قرار می عدم صلاحیت دعوی در محکمه صلاحیت دار اقامه شود ماده ششم مفاد تبصره ماده ۳ و مواد ۴ و ۵ قانون ۲۴ من ماه ۱۳۰۶ راجع به ثبت عمومی املاک با استثنای آنکه مخصوص با املاک ثبت شده در دفتر املاک است در مورد دعوی مربوطه بدیون و حقوق و اموال منقوله نیز رعایت نمیشود

تبصره - در دعوی مربوطه بدیون و حقوق و اموال منقوله مرور زمان بر علیه صغیر و محجور جاری میشود ماده هفتم - مفاد ماده ۴ و ۵ اینقانون در مورد مرور زمان در دعوی راجعه با اموال غیر منقوله نیز مجری است

ولی در صورت انقطاع مدت مرور زمان جدید پنج سال علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود ماده هشتم - دعوی راجع بدیون و حقوق و اموال منقول که در تاریخ اجرای اینقانون مطابق مقررات اینقانون مرور زمان نسبت بانها حاصل شده یا کتر از دو سال بحصول مرور زمان مانده باشد تا دو سال پس از تاریخ اجرای اینقانون در محاکم عدلیه پذیرفته خواهد شد مشروط براینکه در تاریخ اجرای اینقانون از تاریخ منشأ و تولد دعوی بیش از سی سال نگذشته باشد

ماده نهم - مقررات اینقانون بهیچوجه نسخ مقررات قانون تجارت راجعه بمرور زمان نخواهد بود

مخبر کبیسون قوانین عدلیه : شریعت زاده رئیس - شور اول و مذاکره در کلیات است. آقای

آقا سید مرتضی وثوق سید مرتضی وثوق - بنده متأسفانه تا این لایحه

در کلیات و موادش هر دو مخالفم اولاً میخواهم (بعضی از نمایندگان بلند تر) از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که در مقابل این قانون دولت هم مثل مردم مساوی است یا نه اگر اینطور باشد. شاید خیلی از دعوی دولت از بین میرد مثلاً یک کرور پنجاه هزار تومان اموال ورثه مرحوم سپهسالار در مقابل دعوی واهی یا اصلی بانک توقیف شده قانون مرور زمان آن را از بین میبرد (دشتی - میگوید عدلیه رسیدگی نمیکند دین از بین نمیرد زنگار رئیس) و همچنین سایر دعوی که دولت نسبت بمردم دارد این قانون شامل آن هم میشود یا نه ؟ ثانیاً دین ثابت مدیون را هیچ چیزی غیر از صلح یا نقل و انتقال یا رد مثل من رفع نمیکند ما در فقه و در شرع یک مبحثی نداریم که دین ثابت را از مدیون رفع کند قانون در تمام دنیا باید روی احتیاجات مردم نوشته شود ما باید به پیشیم این قانون روی احتیاجات مردم هست یا نه ؟ بعضی از نمایندگان - کاملاً محمد ولی میرزا - اکلا

سید مرتضی وثوق - بنا بر این بنده تصور میکنم چنانچه ما در مباحث فقهی و فنی که شرعاً يك همچو مرور زمانی نداریم عقل سلیم حکم نمیکند که اگر داین از يك مد بونی يك حقی دار دو بواسطه قرابت یا خویشاوندی یا يك جهات دیگری مطالبه نکرد قانون مرور زمان حق او را از بین ببرد مخصوصاً ماده دوی این قانون راجع به اشخاصی که شهریه یا حقوق میگیرند قانون مرور زمان را سه سال قرار داده اند حالا ممکن است که يك کسی نحواسته است حقوق خودش را بیک جهاتی مطالبه کند آن جهات هم بین همه آقایان معهود است که نحواسته است از ارباب خودش مطالبه کند بنا بر این حقوقش باید از بین برود؟ بنده عقیده ام این است که مدت ده سال برای اینکار کم است و بایستی بیست سال کنند و ثانیاً يك مستثنیاتی از برای بعضی جاها قائل شوند که قلا حقوق مردم بواسطه این قانون ضایع نشود مردم این مملکت غالباً دهانی هستند و بی سواد روز نامه که نمیخوانند سواد هم که ندارند تا اینکه بوسیله روز نامه اطلاع پیدا کنند از اینکه قانون مرور زمانی گذشته است. علاوه معاملات در بین رعایا و دهات یا يك اسنادی نیست همه آقایان میدانند در معاملات فقط يك صورتی را برای خودشان نگاه میدارند ده سال بیست سال پدر از سر مطالبه نمیکند این قانون بکلی حق اینها را از بین میبرد حالا مسئله پدر و پسر و مهریه و اینها مطابق آن ماده مستثنی شده است ولی يك جهاتی درش مطالعه نشده است که بعبقده بنده بکلی هستی و مطالبات مردم از بین میرود

وزیر عدلیه - بنده بقتدری مردم هستم که کجای مطلب را بگیرم و از کجا شروع بجواب کنم برای اینکه ایشان فرمودند که هم با اصل و هم با مواد مخالف هستند حالا بنده در اصل صحبت می کنم و فنی که داخل مواد شدم آنوقت آقایان فرمایششان را بفرمایند و جواب داده میشود بنده هم عقاید خودم را عرض میکنم کیسیون هم مطالعه اش را

میکند و اکثریت حاکم است و قاطع خواهد بود. راجع باصل مطلب عرض میکنم در اینجا عنوانی نیست که مرور زمان يك حقی را از بین میبرد (سید یعقوب صحیح است) و واقعاً هم نیست و صحبت این هم نیست که بگوئیم این تعارف است. اینطور نیست باین ترتیب که اگر مرور زمان گذشته و بعد از مدت مرور زمان يك مدیونی دین خودش را داد این عنوان نیست که يك مالی را من آمده ام بطور هبه و مصالحه داده ام و اگر بناشد بولی را که دین داشت داد بعد طرف نمیتواند بگوید من اشتباه کردم برای اینکه امروز مجبور بودم اگر پرداخت که يك حقی را ادا کرده است در هر صورت اصولاً نباید این فکر را کرد که مرور زمان میآید و يك حقی را از بین میبرد برای اینکه آن شخص اگر آمد و عمل کرد بتکلیف خودش پول را داد و بحساب گذاشت دیگر نمیتواند استناد بمرور زمان بکند اما عدلیه و حکومت و دولت يك تکالیفی دارند. بنده خواهش میکنم این تکلیف را خیلی بطور روشن آقا در نظر بگیرند. ما از نقطه نظر حفظ انتظامات که بالاخره يك وضعیاتی را بایستی در مملکت حفظ کرد و بیک شکلی حق الامکان سران جریبل داد و دعاوی را بسهولت قطع کرد خصوصاً بین افراد را نگذاشت دوام پیدا کند يك مقرراتی قائل میشویم از نقطه نظر حفظ انتظامات است که محاکمات حکم اعدام میدهند (آقا سید یعقوب صحیح است) این حکم اعدامی که میدهند شما میتوانید از نقطه نظر شرعی درش بحث کنید؟ آنوقت در اینجا مسئله اینکه حق فلان شخص ده تومان یا صد تومان یا هزار تومانش را ما میگوئیم آقا اگر تو میخواهی بگوئی کنی ما تا يك مدت معینی حاضریم بشنویم بعد از آن نمیشنویم برای اینکه وسایل ما اجازه نمیدهد که بتوانیم درست تشخیص بدهیم وقتی که يك مدت از تولد يك دعوائی گذشت فوق العاده مشکل باشد که کسی بتواند تشخیص بدهد (کیای نوری - صحیح است) که آبا در این دعوا حق یا کیت باید حق را

مردم بدانند که هر چه زودتر دعوائی دارند بروند بکنند و هر کس بداند که میتواند با طرف خودش آقامه دعوا کند دعاوی زیاد است و همه جاهت و در ایران هم خصوصاً خیلی زیاد است پس از برای اشخاص هم باید يك نامینی باشد که هر روزی بعد از پنجاه سال شصت سال آنها را چسبید و يك ادعائی کرد تکلیف معلوم باشد در هر صورت چون آقایان در اصل قضیه موافق هستند بنده در مسئله مرور زمان بیش از این نمیخواهم در اصل قضیه صحبت کنم اما راجع باینکه دولت و افراد در مقابل این قانون چه هستند مادامیکه قانونی نیاید و بطور صریح استثنا نکنند تصدیق بفرمائید که دولت و افراد مساوی هستند حالا اگر آقا پیشنهادهای دارید که خیال میکنید بهتر این است وضعیت خاصی را برای دولت درست کنید بسیار خوب پیشنهاد کنید میروند بکمیسسیون و بعد در شور دوم تکلیف معامم خواهد شد در اینجا هم که میفرمایند مدت کم است راجع مواد است و بعد صحبت میکنیم که مدت کم است و مردم متوجه نیستند بنده تصدیق دارم که اغلب مردم بی اطلاع هستند و روزنامه نمیخوانند و طول میکشد تا يك قانونی صورت قانونیت بخودش بگیرد ولی فراموش نفرمائید که قانون را نه تنها مردمان دهاتی و کسانی که اهل فن نیستند سالیان سال هم ممکن است بگذرد و ندانند اگر فقط کافی بود که انسان اهل شهر باشد و سواد فارسی داشته باشد و قانون بداند که دیگر دلیل نداشت که بروند تحصیل حقوق بکنند پس اگر ما میخواستیم روی این اصل برویم که اطلاعات مردم را در نظر بگیریم باید هیچوقت در مملکت قانون نباشد باید دقایق قانون را فهمید قانون بطور کلی که فایده ندارد از يك سطر قانون هزار مسئله بایستی حل شود آنوقت موارد و تکلیف هر يك را معین کرد این يك کاری است که اطلاعات خیلی زیادی میخواهد و سالیان سال باید زحمت کشید آنوقت ما اگر میخواهیم اطلاعات مردم را مأخذ قرار دهیم معنایش این است که هیچوقت نباید در مملکت قانون باشد پس

باید يك حد متوسطی را در نظر بگیریم که در آن حدود عادی و متوسط قانون اطلاع بدهد وقتی که آمد و بهش عمل شد بوش بوش مردم یاد میگیرند. بکمرتبه بنده ضرر میکنم بکمرتبه میروم عدلیه اقامه دعوا میکنم من میگویند آقا این دعوا از آن دعواوی است که چند سال ازش گذشته است ما نمی پذیریم آنوقت من داد میزنم فریاد میزنم که این ظلم است این تعدی است همسایه ام میشود یاد میگیرد آن یکی میشود یاد میگیرد و نال و تیغچه قانون اجرا میشود و همه میفهمند راه دیگری ندارد که مثلاً مردم را ببرند در يك مدرسه و این اطلاعات را بهشان یاد بدهند بنا بر این اگر ما میخواهیم روی این فکر برویم که مردم اطلاع ندارند گمان میکنم ضررش از برای همان مردم خیلی بیشتر است حالا بنده تصور میکنم که آقایان هم موافقت بفرمائید که ما در قسمت کلیات زیاد بحث نکنیم و اگر نظر بنانی هست آقایان در مواد اظهار بفرمائید

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اولاً تصدیق میکنم که بواسطه این قانون مرور زمان بسیاری از دعاوی اسقاط میشود. شاید بسیاری از تراها مرتفع میشود شاید هم نیست و محقق است چرا؟ برای اینکه وقتی من دیدم سه سال از موقع طلب من گذشته است و اگر ادعا کنم کسی گوش بخورف من نمیدهد ادعا نخواهم کرد از این حیث خیلی خوبست ولی باید خوب هر خوبی را گفت و بدش را هم گفت اما ما باید به بینیم چه چیزی مردم را از ادعا کردن باز میدارد که او را محترم شمرد این خوبست اگر این خوب باشد پس باید يك قانونی گذرانند که هیچ کس حق ادعا بکسی ندارد آنوقت عدلیه بکلی راحت میشود دعاوی بکلی از بین میرود این يك اصلی است که از این راه مردم راحت میشوند و دعاوی از بین میرود و ثانیاً در بسیاری از موارد که

طرف نمیتواند ادعا کند از طرف خودش سه سال یا ده سال فلان ضعیفه ادعای مهر بافقہ از شوهر خود نکرده است حالا چه باید بکند (احتشام زاده - مستثنی است) ادعا بکنند یا نکنند اگر ادعا کند که کسی کوش نمیدهد اگر ادعا نکند حقش از بین میرود خواهید فرمود که زودتر میخواست ادعا کند زن چطور میتواند در خانه شوهرش ادعای مهر بکند یا برود عارض شود از شوهرش این نشدنی است بعقیده بنده...

بعضی از نمایندگان - این قبیل موارد مستثنی است فیروز آبادی - بنده شنیده بودم مستثنی است آقا م (اشاره بوزیر عدلیه) ساکت شدند بنده ملتفت شدم مقصودشان چیست... احتشام زاده - او هم مستثنی است.

فیروز آبادی - در این لایحه که بنده استثنائاتی ندادم. بسیاری از نوکر ها هستند مادام که پهلوئی از بابشان نوکر هستند نمیتوانند ادعائی نسبت بان ارباب بکنند چون نا ادعا کند فوری بیرونش میکنند این است که مجبور است صبر کند تا بکمو قوی و فرضاً که بعضی از اینها مستثنی باشند موارد خیلی زیاد است هزار ها موارد دیگر دارد مثلاً مادر من در خانه پدرم مرد من میخواهم ادعای مهریه بکنم از پدرم لابد حیا مانع میشود و از این قبیل حالا فرضاً چند جا استثناء شود چند جای دیگر هست که استثناء نشده و بر ضرر اشخاص ضعیف تمام میشود. بلکه بعقیده بنده این قانون باعث این خواهد شد که در غالب جاها ضغفا تمام دعای شان از بین میرود بلکه اقویا بیک زنیانی تأخیر می اندازند حق ضغفا را یعنی بهرمانی کردن بدوستی کردن عقب می اندازند تا زمان مرور زمان منقضی شود و وقتی که منقضی شد میگوید برو بی کارت چهار تا هم میزند پشت کردنش. اگر آن فایده درش هست از این قبیل معایب و مفسد هم خیلی دارد پس خوب است آقای وزیر عدلیه و آقایان خوب و بد این را با هم بسنجند به بینند

روشن تر شود و در آن پیشنهاد هم اضافه شده که زوج و زوجه پدر وجد و اولاد اینها بطور کلی مستثنی هستند برادر و خواهر هم در مسائل ارث از مرور زمان نمیتوانند استفاده کنند برای اینکه مراعات این نکات بشود. اما اگر استدلال آقا را بگیریم و روی این اصل جلو برویم صلاحه آن نتیجه میرسیم که خودشان میفرمایند چرا؟ برای اینکه خود آقا میفرمایند نوکر از آقا خجالت میکشد ملاحظه میکنند برای اینکه نافرقت حقوق خودش را دعا کند فوری بیرونش میکنند خوب ناچر هم با کسی که طرف معامله است میتوانیم این استدلال را آنجا هم ببریم و بگوئیم ناچر هم اگر مطالبه کرد پولی را که قرض داده دیگر آن شخص با او معامله نخواهد کرد اگر ناچر پول جنس خودش را خواست میتواند مشتریش از دستش برود فایده اگر نباشد از رفیق خودش آمد و تقاضا و ادعا کرد تا طلب بنده را بده خوب رفیقش بهم میخورد. بنده بگوئیم چه باقی خواهد ماند برای مرور زمان؟! ای اینکه البته اشخاصی که با هم دعای دارند جز در موارد جزائی در موارد حقوقی اغلب کسانی هستند که هم بک ارتباطاتی دارند و کم و بیش دارای بک روابط خصوصاتی هستند پس ما بایستی تمام این ملاحظات و حجب ها و شرم حضورها را بیاوریم دلیل قرار

بگیریم و بگوئیم مرور زمان باید بود بی کارش؟! اما همینطور که آقا فرمودند هر امری بک بیه های خوب و بدی دارد بنده منکر نمیشوم هیچکس هم منکر نیست که این کار هم مثل تمام کلام آسمانی و زمینی بیکهده ضرر میزند و بیکهده نفع میرساند ولی باید دید از برای بک جامعه روی رفته کدام بهتر است. طریق مرور زمان بهتر است یا لغت با مرور زمان. بنا به تجربه که دنیا کرده امروز خود بطور قطع و یقین گفت که مرور زمان یکی از بهترین تدابیر قضائی و قانونی است که دولت توانسته بکند برای اینکه مردم زیاد در زحمت نباشند و دعای بیرون نیاید و بجان هم زیاد نیفتند و بالاخره محاکم

بتوانند با بک اطمینانی قضاوت بکنند و الا آقا ملاحظه بفرمایند که دعوی مال صد و پنجاه سال قبل از این که جد اعلائی من از جد اعلائی شما فلان قدر طلب کار بوده این اصلاً مشکل است حل کردنش. بنا بر این بنده تصور میکنم بز آقایان اگر فرمایشی دارند بگذارند تا ما زودتر وارد مواد شویم. اکثریت را بنده اطمینان دارم رای اینکه قبلاً مذاکره کرده ام ولی رای اینکه وقت هم کم است و نزدیک به تعطیل عاشورا و بعد هم تعطیل تابستان هستیم این است که بنده خواهش میکنم که زودتر وارد شویم در مواد. و آقا هم ممکن است حالا سه می بینند ما داریم بک همچو کاری را میکنیم سعی میکنند که این بد این قدرها هم بد نباشد و اگر اصلاحات و اظهاراتی میخواهند فرمایند در مواد بفرمایند و البته اگر آقایان هم فرمایشاتی بکنند که بنده را قانع کنند در موقعش موافقت خواهم کرد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - آقای عباس میرزا عباس میرزا - موافقم رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم. عرض کنم بنده خودم عضو کمیسیون هستم و آقایان میدانند در آنجا هم بنده عرایض خودم را عرض کرده ام. بنده چون این قانون را قانون با اهمیتی میدانم و خیلی قانون با اساسی تصور میکنم و مخصوصاً تقاضا کردیم و خود آقای وزیر عدلیه هم موافق بودند که این قانون بیاید در مجلس با اینکه مجلس اختیار بکمیسیون عدلیه داده بود که هر قانونی که وزیر عدلیه می آورد بگذرانند معذک ما در آنجا خودمان از آقای وزیر عدلیه تقاضا کردیم آقای وزیر عدلیه هم قبول کردند که این قانون بیاید در مجلس برای چه؟ برای اینکه در این قانون بحث و مطالعه زیاد بشود و نماینده های محترم مخصوصاً در این قانون مطالعه کنند و نظریات خودشان را ذکر کنند و در کلیات بیشتر از

این صحبت بشود نام ذهن ما که در کمیسیون هستیم روشن بشود و هم آقایان بان قانون بیشتر اهمیت بدهند . آقایان یکی یکی یا میشوند میروند بیرون و آنوقت بما ابراد میکنند که چرا قانون را در کمیسیون میگذرانید ما که اعضاء کمیسیون هستیم این جا نشسته ایم ولی آقایان که اعضاء کمیسیون نیستند تشریف میبرند بیرون . این يك بٹ شکوائی بود که بنده خوانم بهر ض مجلس برسانم دیگر اینکه چرا مخالفت میکنم این است که آقای وزیر عدلیه در ضمن فرمایشاتشان يك اصل کلی بیان کردند که حالا بنده ناچارم عرایضی بکنم . اصل مرور زمان خلاف عدالت است عقلا و دانایان میدانند و از این جهت است که آمده اند قاطع مرور زمان قائل شده اند یعنی عرضه که داد مرور زمان قطع میشود والا دینی که بنده دارم یا ذمه را که شما مشغول هستید چی اورا ابراء میکند ؟ رد کردن پول بنده . مال بنده که بیک عنوانی نزد شما است چه چیز ذمه شما را تبرئه میکند ؟ بر گرداندن مال بمن . نه اینکه شب و روز بگذرد و آنوقت شب و روز حق من را از بین ببرد . . .

کیا نوری - خیار شرعی هم همین حال را دارد

آقا سید یعقوب - حالا بنده این عرایض را میکنم که حضرتعالی بمرض بنده توجه فرمائید و اشکال کنید صحبت کنید که این قانون حقیقه با يك مطالعه نامی گذشته باشد . اصل این است . لیکن آقای وزیر عدلیه بیان کردند که بعد از گذشتن مرور زمان اگر آن مدیون پول داین را ندهد ذمه اش بری میشود . خیر . این از جهت رفع خصومت است نظر عدلیه ترك خصومت است نه احراز واقف . احراز واقف و احراز عدالت در اینجا نیست . از جهت قطع خصومت است و ان عدالت نیست پس بقدر امکان نظر هائی که داریم باید در هر جا که بتوانیم نزدیک به عدالت شویم . این را که عرض کردم مخالفم در شور کلیاتش بود و برای این بود که بیشتر مذاکره شود و حالا اگر میل دارند وارد در مواد شوند بنده هم عرضی ندارم .

رفیع - آقا غرضشان بود خود شان صحبت کنند سید یعقوب - عیب دارد ؟

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - آقای آقا سید یعقوب در ضمن مخالفت با کفایت مذاکرات تمام نظر های خود شان را نسبت باین قانون فرمودند و ایشان مخالفت اساسی در کلیات و ورود در مواد ندارند خودشان هم در کمیسیون بودند و بنده دیدم در ورقه هم اسمشان را جزو موافقین نوشته بودند . لذا بطوری که آقای وزیر عدلیه فرمودند حل این قضایا و اختلافاتی که ممکن است رفع شود در ضمن تر مواد حاصل میشود . این است که بنده معتقدم مذاکره در کلیات کافی است و وارد در مواد شویم و همین که آقای وزیر عدلیه لوابخ را زیاد تر بمجلس می آورند به کمک کرد با ایشان که لوابخشان از مجلس بگذرد که تشویق بشوند و بیشتر لوابخ را این جا بیاورند و الا در يك لوابخ که اصولاً اکثریت نام موافق است ورود در مواد اصلاح تمام قضایا را میکند خصوصاً که این دو شوری است و بنده حس میکنم که يك عده از آقایان موافق بودند که این شوری بشود . . .

بکنفر از نمایندگان - استغفرالله استغفرالله

عباس میرزا - در صورتیکه این دو شوری است مراجعه میشود بکمیسیون بنده عقیده ام این است که مذاکرات در کلیات کافی است .

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . رأی میگیریم برای ورود شور مواد موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده اول قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده اول - در دیون و دعاوی راجعه باموال منقوله و هم چنین دعاوی که از معاملات راجع باعیان غیر منقوله ناشی میشود از قبیل عیب و غبن و امثال آن مدت مرور زمان از روزی که صاحب مال یا دائن مستحق مطالبه میشود ده سال است .

رئیس - آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - بیکقسمت عرایض خودم را در کلیات عرض کردم بعقیده بنده ماده اولی که مدت مرور زمان را ده سال قرار داده است بیکقسمت مردم در معرض مخاطره این قانون واقع خواهند شد بکده از آقایان شاید باینده موافق باشند که مدت را پانزده سال قرار بدهند . بیست سال را میدانم که قبول نمیکند ولی پانزده سال را خوبست قرار بدهند . زیرا مردم این مملکت الان مشغول يك داد و ستدهائی هستند فرض کنید بنده پول میگذارم امالت پیش ناچری برای يك شخصی یا برای ورثه خودم بعد از ده سال اگر ناچر نخواست این پول را بدهد و انکار کرد قانون مرور زمان این حق را ازین میبرد ؟ بعضی از نمایندگان - خیر مستثنی است .

آقا سید مرتضی وثوق - کجا مستثنی است ؟ قانون بطور کلی است

بعضی از نمایندگان - ماده آخر

(زنك رئیس - دعوت بسکوت)

آقا سید مرتضی وثوق - در ماده آخر هم ندارد . در آنجا هم مستثنی نیست هیچ جا استثنا ندارد اینجا بعقیده بنده خوبست آقای وزیر عدلیه موافقت فرمایند و پانزده سال قرار بدهند بیست سال عرض نمیکنم برای اینکه شاید قبول نکنند مگر اینکه راجع به مستثنیات بگذردی بیشتر دقت فرمایند و راجع بسایر موادش هم عرایض دارم که بعد عرض میکنم

رئیس - آقای یاسائی

وزیر عدلیه - بنده نمنا میکنم آقایان يك قدری

توجه هم داشته باشند برای اینکه این قسمت چپ نشده ماده اول خبر کمیسیون را ملاحظه فرمائید بنده برای اینکه قضیه روشن تر باشد مواد طوری نباشد که در عمل باشکالات بر بخورد يك مواد دیگری بجای آن سه ماده که خیال میکنم روشن تر هست تقدیم میکنم که بعد برود بکمیسیون و برای شوردن بیاید اینجا . این را میخواهم برای اینکه يك قسمت از اعتراضات آقا و بعضی از آقایان دیگر در ضمن این مواد اصلاح شود . اینجا گفته میشود (ماده ۱ - در دعاوی راجع بحقوقی که بقسط ماهیانه یا کمتر تأدیبه میشود باستثنای مال الاجاره اموال غیر منقول و همچنین در دعاوی راجع به قیمت یا حقی که بنا بر عرف و عادت فوراً یا در مدت کمی پرداخت میگردد از قبیل قیمت خوراك و منزل در مهیا نخانه حق العلاج طیب و حق الوکاله و امثال آن مدت مرور زمان سه سال است

ماده ۲ - در سایر دعاوی اعم از اینکه راجع بدیون یا به اموال منقول و غیر منقول باشد باستثنای دعوی مالکیت و وقف نسبت بمال غیر منقول مدت مرور زمان ده سال است

ماده سوم - مدت مرور زمان از روزی شروع میشود که صاحب مال یا صاحب حق یا داین مستحق مطالبه میگردد

در دعاوی راجعه به صغار یا محجورین بروصی باقیم خود مرور زمان از تاریخ بلوغ و رشد یا رفع حجر محسوب میشود . در دعاوی راجعه به حقوق ارفقی مرور زمان از تاریخی شروع میشود که نسبت باستفاده از حق مزبور جلوگیری شده باشد . در دعاوی راجعه به استرداد ودیعه و امانات (وزیر رو به وثوق این است که گفتهاید - وثوق صحیح است) که محدود مدت معین میباشد و هم چنین در دعاوی راجع به تمهداتی که برای انجام آن مدتی معین نشده یا عندالمطالبه باید انجام شود مادام که بوسیله اظهاریه رسمی رد و دیعه یا انجام تمهد تقاضا نشده مرور زمان جاری نمیشود .

در مورد طلبی که وثیقه منقول یا غیر منقول دارد مادام که وثیقه در تصرف طلبکار است مرور زمان جاری نخواهد شد .

نسبت به دعوی استرداد وثیقه مدت مرور زمان از روزی شروع میشود که وثیقه بوسیله نایب دین یا بجهت دیگری فک شده باشد .

زوج و زوجه و هم چنین پدر و مادر و جد و جده و اولاد مطلقاً و برادر و برادر و خواهر و برادر و خواهر و خواهر در دعوی ارث نمیتوانند نسبت بیکدیگر از مرور زمان استفاده نمایند .

در هر صورت ملاحظه میفرمائید این قسمت روشن تر است حالا گرچه نظر آقایان نمی ماند ولی خواهش میکنم به اندازه که ممکن است این را در حافظه نگاه دارند و روی این بحث شود برای اینکه بجای آن سه ماده در شور دوم اینها خواهد بود و بعد بنده این را تقدیم میکنم .

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم بنده اساساً با قانون مرور زمان موافق ولی صراحتی دارم که میخواهم جلب نظر آقای وزیر عدلیه و آقایان اعضاء کیسیون را بنمایم (بعضی از نمایندگان بلند تر میفرمائید) که در موقع شور دوم متوجه باشند . از قبل از مشروطه و حکومت مرکزی تا بحال یعنی از ده یا نوزده سال باین طرف در این مملکت انتظامی پیدا شده و مردم بک آسایش دارند و انتظام و امنیتی حاصل شده که توانسته اند حقوق خودشان را محفوظ بدارند . مخصوصاً ابتدای مشروطیت بواسطه هرج و مرجی که در ولایات پیدا شد و حکومت مرکزی سلطه و اقتداری در ولایات نداشت اشخاصی که ضعیف بودند همیشه از ترس جان و مال خودشان نمیتوانسته اند بروند مطالبه طلب خودشان را بکنند و این قانون را که ده سال پیش قائل شده اید . مردم بدبخت ولایات تا پنجسال پیش در زیر اقتدار و نفوذ اشخاصی بودند که چهارنا یا ده نا فننگ داشتند و ناچار بودند خودشان را

بده تحت هزار جور عذاب و شکنجه واقع میشد . بعقیده بنده این قانون خیلی خوب است و همه مجلس هم با اتفاق رأی میدهند ولی مراعات این نکته را بکنید که حقوق مردم ضعیف و بیچاره از بین نرود .

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که يك توجهی مواد خبر نشده است از طرف آقا . برای اینکه فرمایشانی که کردند تمام راجع بگذشته بود و در ماده هشتم که ملاحظه میفرمائید (که يك عده از آقایان هم کتباً اعتراض میکردند که ماده هشت خوب نیست و بنده موافق با نظر کیسیون هشتم) ولی در مراحل آن ماده هشت تکلیف گذشته را معلوم کرده است میگوید که نسبت بدعوی گذشته در صورتیکه در تاریخ اجرای این قانون مرور زمان حاصل شده باشد یا ده سال یا سه سال یا اینکه حاصل نشده باشد ولی کمتر از دو سال بآخر مدتش مانده باشد یعنی يك مرور زمان ده ساله هشت سال ازش گذشته باشد در هر دو صورت چه آسورتی که مرور زمان حاصل شده و چه آن صورتی که هنوز مرور زمان حاصل نشده ولی مدت کمی باخرش مانده دو سال مهلت داده میشود باشخاصی که بتوانند اقامه دعوی کنند اما از برای اینکه برخلاف اصل مرور زمان هم زویم که دعوی صدساله را هم قبول کنیم کفایت بشرط آنکه در تاریخ اجرای این قانون سی سال بیشتر از عمر آن دعوی نگذشته باشد تا این ترتیب شما ملاحظه میفرمائید تمام دوره مشروطیت و يك قسمت قبل از مشروطیت را هم گرفته دو سال هم بهشان مهلت داده در حقیقت میشود گفت در بعضی موارد سی و دو سال مهلت داده شده برای اینکه اگر يك دعوائی در تاریخ اجرای این قانون سی سال از عمر آن گذشته باشد دو سال دیگر هم اضافه میشود و بنده تصور میکنم ما در اینجا جنبه ارفاق را ملاحظه کرده ایم . اما نمیشود ایراد گرفت که يك دعوی را گذاشته ایم تا این برود برای اینکه شما نظر آن از دوره مشروطیت را بنظر طرف بود ما چند سال هم آن طرف مشروطیت را گرفته ایم بنا بر این از این جهت اعتراضی وارد نیست

کیای نوری - ماده چهارم هم مشمول است

وزیر عدلیه - بلی ماده چهارم پنج مورد است

ولی چون فرمایشات راجع بان قسمت بود بنده این ماده را خواندم برای اینکه فرمودند در صفحات غرب جرأت نمیکردند چون در خطر بودند عرض میکنم اگر ما آن مدت سی سال را هم نگذارده بودیم تازه بموجب این ماده آن اشخاص نمیتوانستند بیایند اقامه دعوی کنند بالاخره ماده چهارم را هم بنده میخواهم : بایراد مرور زمان خواه قبل از رسیدگی بدعوی و خواه در ضمن رسیدگی اظهار شود محکمه مکلف است علیحده رسیدگی کرده قرار صادر نماید و این قرار خواه مبنی بر رد ایراد باشد و خواه مبنی بر قبول مستقلاً قابل استیناف و تمیز است و مادامی که تکلیف قرار از مراحل استیناف

تمیز معین نشو محکمه ابتدائی رسیدگی را بتاخير خواهد انداخت طلبکاران و ضامن مدعی علیه میتوانند در صورتیکه عدم استناد مدعی علیه بمرور زمان موجب ضرر آنها باشد وارد دعوی شده بمرور زمان استناد نمایند

در صورتیکه مدعی علیه اقرار بمالکیت مدعی نماید مدت مرور زمان قطع میشود و همچنین است اگر مدعی علیه در سندی که بخط یا امضاء مسلم اوست اقرار بمالکیت مدعی کرده و از تاریخ سند مدت مرور زمان نگذشته باشد. ماده پنجم را هم که يك قسمتش را خواندم « مرور زمان بر علیه کسانی که در تحت ولایت هستند مثل صغیر و مجنون و سفیه جاری نمیشود » که ما در اینجا در قسمت منقول استثناء کرده ایم زوج و زوجه را در آن قانون نوشته که ما اینجا پدر و اینها را هم اضافه کرده ایم. مرور زمان را میشود اسقاط کرد « متولی و قیم و ولی و همچنین کسی که بمنوع از تصرف در مالی است نمیتواند مرور زمانی را که برای او حاصل شده اسقاط کند » در هر حال آن قسمتی که بیشتر باید طرف توجه آقایان باشد ماده ۵ بود که بنده خواندم و گمان نمیکسم جای تکراری باشد.

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - يك تبصره از طرف آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد شده است

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ماده اول اضافه شود

تبصره - دعاوی دولت بر تبعه و همچنین تبعه بر دولت مطابق مقررات همین قانون خواهد بود - بعقوب الموسوی رئیس - پیشنهادی آقای مؤید احمدی کرده اند قرائت میشود. در پیشنهادها بحث نمیشود.

(پیشنهاد آقای مؤید احمدی بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول این قسم نوشته شود در دیون و دعاوی راجعه باموال منقوله مدت

مرور زمان از روزی که صاحب مال یا دائن مستحق مطالبه میشود پانزده سال است مدت مرور زمان در دعاوی که از معاملات راجع باعیان غیر منقوله ناشی میشود از قبیل عیب و غبن ده سال است.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید يك استنباطی شده است.

رئیس - مرقوم بفرمائید. پیشنهاد دیگر

(باین نحو قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول مدت ده سال مبدل به پانزده سال شود - ملک آرائی

رئیس - آقای لاریجانی هم پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

(باین نهج قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بماده اول اضافه شود

تبصره - در دعاوی متقابل چنانچه برای مدعی متقابل نسبت بمدعی بدوی مدت مرور زمان منقضی شده باشد هر چند روزی که از تاریخ عرض حال مدعی بدوی تا روز اولین جلسه محاکمه گذشته باشد بر مدت مرور زمان اضافه خواهد شد.

رئیس - پیشنهاد دیگری از آقای لاریجانی رسیدم است

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مدت مرور زمان مصرحاً ماده اول دوازده سال شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب توضیح میدهند که

مقصود از تبعه افراد است دعاوی دولت بر افراد و دعاوی افراد بر دولت. آقای وثوق پیشنهاد میکنند سه ماده که بجای سه ماده ۱ و ۲ و ۳ گذاشته شود چون

مبتنی به فعلاً ماده يك است ماده يك قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

۲ - دعاوی راجعه بحق الوکاله و حق العلاج و امثال آنها

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده موافقم

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - در این ماده بنده باقايي بخبر هم عرض کردم يك قسمتهائی را اسم برده اند از قبیل حق العلاج و حق الوکاله ولی آيونان روزنامه را اسم نبرده اند (جلائی طبیب نا حق نگردد نمبرود. خنده نمایندگان) اگر این حق تعلق میگیرد بسایرین هم تعلق بگیرد با اینکه مثلاً يك اداره خانه را بیمه کرد که از هر تعرضی مصون بماند امثال و نظیر این خیلی زیاد است مقصودم این است که باقسمت حق العلاج را هم حذف کنید با سایرین را هم اضافه کنید

وزیر عدلیه - خود آقا ملاحظه میفرمائید در ماده نوشته شده (و امثال آن) و این دو فقره بطور مثل است و الا امثالش خیلی زیاد است.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در اینجا شاید نفهمیده باشم در تجارتخانه ها غالباً قرار داد میشود که هر هفته با هر روز فلان مدیون بفلان داین پول بدهد يك وقتی آن مدیون میبرد باور میشوند با هیچ نمیدهد این قانون هم که می نویسد سه سال است حالا میخواهم به بینم سه سال که گذشت دعوی منساقط میشود با اینکه باقی میماند...

وزیر عدلیه - راجع بورشکسته ؟

فیروز آبادی - بلی چه ورشکسته چه نشکسته يك

ناجری با داین خودش قرار میگذارد هفته فلانقدر بدهد این شخص مدیون با فرار میکند باور میشوند یا عمداً

در دعاوی راجعه بحقوقي که باقساط ماهیانه یا کمتر نادیده میشود باستثناء مال الاجاره اموال غیر منقول و همچنین در دعاوی راجع به قیمت یا حقی که بنا بر عرف و عادت فوراً یا در مدت کمی پرداخت میگردد از قبیل قیمت خوراک و منزل در مهمانخانه. حق العلاج طبیب و حق الوکاله و امثال آن مدت مرور زمان سه سال است

رئیس - ماده دو قرائت میشود

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده دوم - در دعاوی صغار یا مجبورین بر ولی یا قیم خود مدت مرور زمان از تاریخ بلوغ و رشد یا رفع حجر محسوب میشود

رئیس - آقای وثوق

(حاضر نبودند)

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - موافقم

رئیس - مخالفی نیست

(گفته شد خیر)

رئیس - پیشنهاد آقای وثوق نسبت بماده دوم قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

در سایر دعاوی اعم از اینکه راجع بدیون یا اموال منقول و غیر منقول باشد باستثناء دعوی مالکیت و وقف نسبت بمال غیر منقول مدت مرور زمان ده سال است

رئیس - ماده سوم قرائت میشود

(باین ترتیب خوانده شد)

ماده سیم - در دعاوی ذیل مدت مرور زمان سه سال است

۱ - دعاوی راجعه بحقوقي که باقساط ماهیانه یا کمتر گرفته میشود

نمیدهد و تعرض میکنند از دادن و سه سال میگذرد آیا بموجب این قانون ناچار طلبکار حق مطالبه دارد یا نه ؟ وزیر عدلیه - قراردادی که باین ترتیب میشود بدین است و بالاخره تابع آن قسمت ده سال خواهد بود البته اگر ده سال از قسط اولی که محقق شده گذشته بود و مطالبه نکرد آن قسط اول را نمیتواند بگیرد ولی اگر هر فسطی ده سال ازین نگذشته باشد میتواند و در مسئله ورشکستگی هم در قانون تجارت يك ماده هست که اینجا نوشته شده است این قانون نسخ موادی که راجع مرور زمان در قانون تجارت است نیست

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - گرچه ماده دوم و سوم همان طوری که آقای وزیر عدلیه در آنجا خواندند تغییر کرده است ولی در اینجا نوشته است در دعوی ذیل مدت مرور زمان سه سال است اول دعوی راجعه بحقوقی که با قساطر ماهیانه یا کمتر گرفته میشود دوم دعوی راجعه بحق لوکال و حق العلاج و امثال آن در اینجا راجع بحق الوکاله و بحق العلاج بنده راجع بحق الوکاله صحبت کردم راجع بحق العلاج هم صحبت کردم بعضی چیزها هست که آقای وزیر در جواب روحی فرمودند کلمه امثال آن شامل آنها میشود ولی بعضی چیزها مثلاً حقوقی که نسبت بمسال الاجاره پیدا میکنند این دیگر از آن قبیل حقوق نیست که کلمه امثال آن شاملش بشود یا چیزهای دیگر مثلاً نسبت بحقوقی که در قانون مدنی هست حق الارتفاق یا حق الارتفاق هر جور که تعبیر عربیست صحیح باشد که بعقیده بنده حق الارتفاق است غرض بنده توجه دادن نمایندگان محترم است که توجه کنیم حقوقی که مابین افراد است بیش از این است که ما نوشته ایم بیش از این است که کمیسیون واپس داده در نظر بگیرد بعد از این که این قانون گذشت آنوقت این حقوق از بین خواهد رفت بنابراین چون ما علاقه مند باین نیستیم که ذمه خودمان را بری کنیم فکر کنیم هر چه در نظرمان است

لازم است این مدت جدید در مورد مرور زمان ده ساله سه سال در سایر موارد یکسال علاوه برتقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود مرور زمان را بیش از يك مرتبه نمیتوان منقطع نمود.

رئیس - آقای وثوق .

وثوق - عرضی ندارم

رئیس - آقا یاد داشت فرموده اید که در تمام موارد اظهارات دارید (وثوق بلی ولی پیشنهاد دادم) . آقای عباس میرزا

عباس میرزا - موافقم

رئیس - آقای دکتر طاهری

(اظهاری نمودند)

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مخالفم

دکتر طاهری - اجازه میفرمائید

رئیس - آقای دکتر طاهری مخالفید ؟

دکتر طاهری - بلی

رئیس - بفرمائید

دکتر طاهری - بنده با قسمت اول این ماده موافق هستم اما آنجا که مینویسد برای حصول مرور زمان مدت قانونی جدیدی لازم است این مدت جدید مرور زمان ده ساله سه سال و در سایر موارد سال است مخالفم و در آن قسمت بعد هم که مینویسد مرور زمان را بیش از يك مرتبه نمیتوان منقطع نمود این قسمتش هم مخالفم در این قسمت بعقیده بنده اگر دینی هست اصل وصول و پرداخت آنست منتهی این است که برای رفع مناقشات آمده اند این مرور زمان

را قائل شده اند و میگویند اگر ده سال گذشت مطالبه نمیتوانند بکنند حالا که قبل از مرور زمان مطالبه کردی عرض حال رسمی داد و مرور زمان منقطع شد خوب چرا باید او را محدود کنیم که ناسه سال باز مرور زمان حاصل شود . این باید مثل اول بشود وقتی که مطرح کرد و مطالبه کرد مدتش باید مثل اول باشد یعنی همان ده سال یا سه سال باید بگذرد یعنی آن مرور زمان را که اول برایش قائل شدیم باید قائل شویم بچه نظر آمده اید در گذشته سال قائل شده اید سه سال باشد و در سه سال یکسال ؟ در آن قسمت بعد هم که میگوید مرور زمان را بیش از يك مرتبه نمیتوان منقطع کرد فلسفه این را هم بنده نفهمیدم برای اینکه همانطور که عرض کردم کسی که طلبکار است حق دارد مطالبه کند مطالبه هم کرده اما دفعه دوم نمیتواند مطالبه کند و مرور زمان جلوگیری میکند از این جهت بنده خواستم يك توضیحی بخواهم که بچه نظر اینطور نوشته اند .

وزیر عدلیه - فرمودند اصل این است که باید کسی که طلب دارد طلب خودش را بگیرد عرض میکنم يك اصل دیگری هم که عقل حکم میکند این است که کسی که يك طلبی دارد باید دنبال حقش برود نباید این را نگهدارد سالی سال عائد و اسباب زحمت مردم را همیشه فرام کند این هم يك اصلی است (دکتر طاهری - عرض حال داده) روی آن اصل آمدیم مرور زمان را قائل شدیم که بالاخره باید يك حدی داشته باشد و تئوریکه آن اصل را قائل شدید یعنی از يك طرف مرور زمان را قائل میشوید از طرف دیگر نباید طوری راه باز کنیم که در عمل مرور زمانی نباشد برای اینکه اگر بنا شود از روزی که مرور زمان را قطع کرد باز ده سال شروع بشود و بعد يك روز بانقضاء مانده باز قطع کند و مجدداً ده سال دیگر شروع شود این عاقبت ندارد این است که محدود کرده ایم و گفته ایم يك مرتبه بیشتر نمی شود و اما چرا مدت بعد را کمتر

قرار داده ایم و مثل اول قرار نداده ایم برای اینکه يك کسی آمده است و يك مرور زمان ده ساله را بواسطه يك احضاریه رسمی قطع کرده است و فرض بفرمائید که هشت سال از برایش مدت باقی است بعد از این احضاریه رسمی هم عرض حال میدهد و یکسال هم میگذرد دعوايش را تعقیب نمیکند و عرض حالش باطل میشود یکسال در این وسط وقت دارد آنوقت هشت سال هم که قبلاً حق داشته باز ما يك ثلث مدت در ده سال مهلت میدهیم يك ثلث که سه سال باشد البته يك ثلث تقریبی است در ده سال تقریباً يك ثلث آن مدت را هم بهش مهلت میدهیم هشت سال هم که مانده بود برایش سه سال دیگر هم وقت میدهیم این میشود یازده سال . یازده سال دیگر باز حق دارد اقامه دعوی کند و باز برود دنبال کارش دو سال هم که اول وقت داشته برای اینکه فرض ما این بود که در سال دوم مرور زمان ده ساله انقطاع حاصل شده یکسال هم که متوقف مانده است بعد هم یازده سال بهش فرجه دادیم این میشود چهار ده سال بنده نمیدانم علت اینکه بکنفر آدمی را که اینقدر بهش مهلت میدهند و نمیخواهد برود دنبال کار خودش و با يك دلایلی حقیق را ثابت کند چه دلیلی دارد که وقت محاکمه و کار مردم را ضایع کنیم این کسی است که نمیخواهد برود دنبال حق خودش و نرفته زندگانی خودش را خوب اداره کند عیناً مثل آدمی است که املاک خودش را نمی تواند خوب اداره کند چه می شود ؟ مبلغ زیادی ممکن است بهش خسارت وارد آید مسئول آن خسارت بنده نیستیم آقا پس دلیلی که بنده میتوانم بطور خلاصه در آخر عرض کنم که مدت بعد از انقطاع را چرا عین مدت قبل نگذاشته ایم یعنی عین مدت مرور زمان قرار نداده ایم و انقطاع را هم يك دفعه بیشتر قرار نداده ایم همان اصل مرور زمان است اگر قبول کنیم که مرور زمانی باشد باید این دوکار را هم بکنیم برای اینکه غیر از این مرور زمان قابل استفاده نخواهد بود هی قطع میکنند و باز از سر گرفته میشود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
آقا سید یعقوب - کجا کافی است من حرفم را زده ام .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - خدا شاهد است وزیر عدلیه هم ماده را در کمیسیون بیست مرتبه تکرار میکنند و همه مان میشنویم و تمقیب میکنیم حال این قانون را آورده اند و بایستی فلسفه آن گفته شود فوراً آقای سالار لشکر میفرمایند مذاکرات کافی است پس از اول بفرمائید مذاکرات کافی است اصلش آقای وزیر عدلیه يك فرمایشی کردند و آقایان با آن حسن ظنی که با آقای وزیر عدلیه دارند و بنده هم دارم فوراً قبول کردید اصل مرور زمان مسلماً خلاف عدالت است چون مضیق کردن بنده خلاف عدالت است بنده را مضیق میکنند . میفرمایند يك اصلی است که صاحب مال باید برود دنبال مالش این چه اصلی است اصل این است که بنده دینی که بکسی دارم باید حتماً بدهم . شما حالا میباید يك قانونی می نویسید که پشت سر من میزند و مرا مجبور میکند که حتماً بروم طلب خود را بگیرم من میروم اسم این را هم يك اصلی میگذارید و مساوی با آن اصل مسلم میدانید ؟

مردم اینقدر هم آزاد نیستند که حالا ما باید بیاییم يك اصلی را قائل شویم و يك قانونی بنویسیم که آنها را مجبور کند عقب مال خودشان بروند ؟ آنها را مقید کنیم که در يك مدت زمان معینی حتماً مالشان را مطالبه کنند ؟ تصدیق میفرمائید نظرها از وضع این قانون این است که قطع مخصوصه شود و الا این را نمیتواند يك اصل مسلم و اصولی دانست . ما از نقطه نظر قطع مخصوصه (چون عدلیه برای فصل و قطع خصوصیات نسبتاً آمدیم و این قانون مرور زمان را برخلاف عدالت آوردیم

دیوان بیکی - آقا همه میگویند

آقا سید یعقوب - کاشکی من هم مثل شما باریس رفتم بودم همه میدانند که برخلاف عدالت است خود آقا

وزیر عدلیه هم این را اظهار کرده اند این است که قواعط برایش قائل شده اند خصوصاً خود آقای وزیر عدلیه فرمودند در فرانکستان بمجرد اینکه عریضه دادند مرور زمان قطع میشود . سه مرتبه ، چهار مرتبه پنج مرتبه هر چند مرتبه که عریضه دادند مرور زمان قطع میشود چرا برای اینکه در آنجا عقلا و فلاسفه عدالت در نظرشان است . میگویند عدالت مقتضی این نیست که ما بیاییم و يك دینی را که مسلم است بواسطه مرور زمان و گذشتن شب و روز از بین ببریم و معتقد شویم که باین واسطه داین صاحب طلبش نخواهد بود . این است که از يك طرف محاکمه را باید قطع کرد و از يك طرف هم کاری کرد که عدالت بکلی از بین نرود . از این جهت ناچار شدند و گفتند الضرورات تقدر بقدرها یعنی بقدری که ضرورت دارد ما جلو میگیریم اما آن اندازه که ضرورت و احتیاج نداریم دیگر خلاف اصل را قائل نمی شویم . حالا که مجبوریم بر خلاف عرف و عقل و شرع يك کاری بکنیم دیگر چرا ببریم تا آخر . نه . هیچ دلیل ندارد . اصل هم این نیست . بنا بر این بنده عقیده ام این است که همان طوری که آقای دکتر طاهری اظهار کردند باشد حالا که شما يك دفعه قائل بانقطاع نمی شوید و بفرمائید خودتان که میفرمائید بر خلاف تمام قوانین ملل متمدنه است (امروزه الحمد لله ما از جزو ملل متمدنه خارج شده ایم و تند ز میرویم و بقدر هم تند میرویم که آنها را نخواهند رسید) اقلاً کاری بکنید که پس از آنکه داین عریضه رسمی داد بعد بایه یا اخطاریه قانونی و رسمی داد بمجرد اینکه قطع مرور زمان واقع شد این مدت نسبت آن چیزیکه ده سال است (حالا بلکه انشاء الله در کمیسیون موفق شدیم مدت را یازده سال کردیم) همینطور نسبت آن موردی که سه سال است بر گردد بحالات اولیه و مثل بندها شود نه اینکه سه سال و یکسال قائل شویم .

تقصود این است همان اندازه که میخواهیم قطع خصوصیت کرده باشیم باید بقدر امکان عدالت را هم ملاحظه کنیم

وزیر عدلیه - بنده يك قدری عادت دارم باینکه وقتی که يك وقتی که يك قانونی را می خواهم بگذرانم نتیجه را در نظر بگیرم یعنی گذشتن قانون را از این جهت در مقدمات و استدلالات حاضرم يك قدری شل بگیرم و دلیل طرف را هم تصدیق کنم ولو اینکه عقیده نداشته باشم و این در وقتی است که به بینم در نتیجه با من موافق است . اما گاهی می بینم که خیر . آقا با من موافق نیستند مثلاً این جا میفرمائید این برخلاف عدالت است فلان و این ها . این طور نیست آقا اگر بنده این جا در این باب اصراری نکردم برای این بوده است که وقت مجلس تلف نشده باشد چون می دیدم بالاخره موافقت حاصل خواهد شد و آقا هم موافقت میفرمائید و الا هیچ دلیلی نداشت که بنده بیایم و يك قانونی که عقیده خودم ر خلاف عدالت و انصاف و بعبارة دیگر ظلم است بگذرانم . برای چه ؟ باقیات صالحات می خواهم بگذرانم ؟ آقا سید یعقوب - بین ظلم و عدالت است .

وزیر عدلیه - شما میگویند کسی که می خواهد ملکی را ثبت کند پنج ماه باید مهلت بدهد تا اگر کسی اعتراض و حقی نسبت باین ملک دارد بیاید و اظهار کند و اگر این مدت گذشت و پنج ماه و يك روز شد (سید یعقوب این عدالت است) دیگر این حق را ندارد می خواهم بگویم نظایر این مسئله زیاد است . بنده حالا از نظر شرعی و قانون مدنی باز عرض میکنم . قانون

میگوید خیار غبن فوری است یعنی کسی که حق غبن پیدا کرد اگر ملتفت شد و فهمید و علم پیدا کرد فوری معامله را باید فسخ کند. اگر نکرد و تصرف کرد آن حقش از بین میرود. ولو اینکه مقبوض هم باشد چرا این همه مقررات را از قدیم تا امروز آمده اند گذرانده اند. برای چه کسی که صدها هزار تومان محکوم شده از آن بالاتر کسی که حکم اعدامش صادر شده اگر ده روز گذشت و استیناف نداد حکم ابرام میشود و کسی دیگر بکار او رسیدگی نمیکند و بجرش هم گوش نمیدهند برای این است که در ظرف ده روز استفاده از حقش نبرده و روز یازدهم آمده است. برای رعایت همین مقررات و صورت هاست که گفته میشود کسی که بر ثبت ملکی اعتراض داد اگر در ظرف دو ماه نرفت به محکمه عرضحال بدهد دو ماه و یک روز شد دیگر از او نمی پذیرند. البته افراد و مردم باهم یک معاملات و ارتباطاتی دارند اگر بما رجوع نکنند البته خود دانند هر قدر از مدتش بگذرد باز داد و ستد کنند با کاری ندارند حق دارند. ولی آن روزی که میخواهند بیایند پیش دولت باید تمام قوانین و مقررات ما را باید ملاحظه و مراعات کنند. البته هر قانونی تزییق است. مثلا قانون میگوید تو که میخواهی به عدلیه بیایی باید از فلان راه بیایی و فلان طور عرضحال بدهی. اگر بگوید شکل دیگر میدهیم از او قبول نمیکند. مثلا باید در فلان مدت عریضه اش را بدهد و حرفش را بگوید اگر نداد و نگفت دیگر از او قبول نمیکند.

این مقررات و تزییقات از نقطه نظر این نیست که دولت ها و مقننین خواسته باشند حق کسی را از بین ببرند. خیر. بلکه برای این است که حساب کرده اند جمع و خرج کرده اند دیده اند که راجح جامعه در این است.

بنابر این چه دلیلی دارد که آقا یا اینکه با یک قانونی موافقت کرده و رأی داده اید آنوقت میباید اینجا و میفرمائید برخلاف عدالت است و میخواهید گرفت

من بگذارید. که من میلم کشیده حالا این قانون را بیاورم این جا. اما راجح به مسئله اظهاریه رسمی که نوشته ایم و اشاره فرمودید. عرض میکنم اظهاریه رسمی در قانون تکلیفش معین است. در تقاطعی که اداره ثبت نیست توسط دفاتر محاکم و صلحیه ابلاغ می شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - دو فقره پیشنهاد راجح بماده چهارم رسید. قرائت میشود (پیشنهاد آقای دبستانی بشرح ذیل قرائت شد)
راجح بماده چهارم پیشنهاد میکنم که صدر ماده این طور اصلاح شود:

هر گاه کسی که مرور زمان بر علیه او جریان دارد قبل از انقضاء مدت بوسیله عرضحال رسمی الی آخر (دبستانی)
پیشنهاد آقای دکتر طاهری:

(مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی)
پیشنهاد میکنم ماده چهارم اینطور نوشته شود:
ماده چهارم - هر گاه کسی که مرور زمان بر علیه او جریان دارد بوسیله عرضحال رسمی با اظهاریه قانونی حق خود را مطالبه نماید مدت مرور زمان منقطع میشود و برای حصول مرور زمان گذشتن مدت قانونی جدید لازم است. مرور زمان را بیش از یک مرتبه نمی توان منقطع نمود. (دکتر طاهری)

رئیس - پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسید. قرائت میشود.
(مضمون آتی خوانده شد)
پیشنهاد میکنم در ماده چهارم عوض کلمه سه سال در وسط دوم نوشته شود: همان ده سال خواهد بود.

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)
ماده پنجم - در موارد ذیل انقطاع مرور زمان حاصل نمیشود:

۱ - در صورتیکه مدعی دعوی خود را مسترد دارد
۲ - در صورتیکه عرضحال بمحکمه که صلاحیت رسیدگی نداشته داده شده و تا سه ماه پس از ابلاغ قرار قطعی عدم صلاحیت دعوی در محکمه صلاحیت دار اقامه شود
رئیس - آقای وثوق

وثوق - بنده در ماده پنجم در مورد اول که نوشته در صورتیکه مدعی دعوی خود را مسترد دارد نظری دارم و همینطور در مورد دوم که نوشته در صورتیکه بمحکمه صلاحیت دار عریضه نداد و محکمه عدم صلاحیت خودش را اعلام کرد و بعد عریضه به محکمه صلاحیت دار نداد مرور زمان منقطع میشود. مقصود این است منتهی عبارت مقصود را نمی رساند زیرا عبارت اقامه شود...

جمعی از نمایندگان - عبارت « اقامه نشود » است
وثوق - این جا « اقامه شود » نوشته است. اگر نشود است بنده عرضی ندارم

وزیر عدلیه - نشود است در چاپ غلط شده
رئیس - آقای دکتر عظیمیا
عظیمیا - اشکال بنده هم سر شود و نشود بود دیگر عرضی ندارم.

رئیس - آقای احتشام زاده
احتشام زاده - عرضی ندارم
رئیس - آقای یاسائی
یاسائی - عرضی ندارم

رئیس - ماده ۶ قرائت میشود
(ناب عبارت خوانده شد)

ماده ششم - مفاد تبصره ماده ۳ و مواد ۴ و ۵ بون ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ راجح به ثبت عمومی املاک متشکلی آنچه که مخصوص با املاک ثبت شده در دفاتر املاک است در مورد دعوی مربوط بدیون و حقوق و اموال

منقوله نیز رعایت خواهد شد
تبصره - در دعوی مربوطه بدیون و حقوق و اموال منقوله مرور زمان بر علیه صغیر و محجور جاری میشود
رئیس - آقای وثوق

وثوق - بنده تقاضا کرده ام ماده ۳ و ۴ و ۵ قرائت شود. آقای امیر تیمور هم همین تقاضا را کرده اند همه نمایندگان برای چه صدای زنگ
وزیر عدلیه - بنده الان خواندم
دیوان بیگی - (اشاره بوثوق) خودت بخوان.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده آقایان را دعوت میکنم بر اینکه هم قانون را در نظر بگیرند و هم مواد ۴ و ۵ را عرضی که بنده داشتم این بود که تبصره را ملتفت نشدم یعنی ملتفت شدم منتهی اشکالی دارم صغیر و محجور علیه تکلیفی ندارند تا بر علیه آنها هم مرور زمان حاصل شود.

فرض بفرمائید صغیر یک پولی از یک کسی طلب دارد ولی با قیم او نباید این پول را وصول کنند. حالا آمد ولی این کار را نکرد. تا اینکه صغیر کبیر شد. ده سال هم گذشته است. ولی این کار را کرده شاید هم مرده است اینجا برای چه ما بیائیم و قائل شویم که صغیر و محجور علیه حق ندارند ادعائی بکنند. اینجا نوشته نسبت بصغیر و محجور علیه هم مرور زمان واقع میشود. یعنی چه؟ یعنی اگر ده سال قیم یا ولی اخذ بحق او نکرد وقتی که صغیر کبیر شد حق این بدبخت از بین میرود. او چه تقصیری کرده است؟ در کمیسیون هم این مسئله را بعرض آقایان و وزیر عدلیه رساندم منتهی نخواستیم بیشتر از این چیزی خدمتشان عرض کرده باشم. بنده عقیده ام این است چون صغیر و محجور علیه تکلیف ندارند نباید مرور زمان شامل حالشان بشود. چون تصدیق میفرمائید فلسفه مرور زمان برای این است که اگر کسی از حق خودش اعتراض کرده باشد و مدتی مطالبه نکند دیگر حقی نداشته باشد و باید با شلاق مردم را مجبور کنیم که در

ظرف مدت معینی حقیقتاً را مطالبه کنند و تو سرشان بزینم که عقب حق خودشان بروند. از این جهت ما آمدیم و قانون مرور زمان قائل شدیم ولی صغیر و محجور علیه که تکلیفی ندارد تا در مقام اخذ حق خودشان بر آیند از این جهت عقیده بنده این است که مرور زمان نسبت به صغیر و محجور علیه جاری نشود تا وقتی که کبیر شوند. آنوقت جاری شود.

وزیر عدلیه - بنده نمیدانم چه تفاوتی خواهد بود بین پول نقد صغیر که ولی با قیامش اداره میکند و طلبی که ممکن است از بابت مزد روزانه اش (در صورتیکه مثلاً فرض کنیم شاگرد است) داشته باشد می فرمائید مطالبه پول نقدش را که ولی اداره میکند باید بگذاریم تا وقتی که او بالغ شود آنوقت حق دارد مطالبه کند و مرور زمان از این تاریخ شروع شود. آقا باید يك قدری فکر مردم را هم کرد. و فکر این را هم نمود که در نتیجه همیشه يك عده مردم صغیر هستند و نباید مدت را این قدر بطول انداخت. ما در قسمت غیر منقول سختی کردیم و قائل شدیم باینکه در مورد اموال غیر منقول مرور زمان بر علیه صغیر واقع نمیشود برای اینکه سرمایه ثابت و محکم صغیر همان سرمایه ملکی است که گفتیم برایش باقی بماند.

اما در مطالبات و حقوق و چیزهای دیگر چرا مرور زمان حاصل نشود اما اینکه میفرمائید بعد چه کند؟ صغیر وقتی که کبیر شد و ملتفت شد البته می تواند بر ولی خود اقامه دعوا بکند از اینکه حق او را درست حفظ نکرده است و بتکلیف خودش عمل نکرده میفرمائید شاید ولی مرده باشد بنده عرض میکنم ممکن است ولی مرده باشد در صورتیکه خیلی زیانتر مال این صغیر را خورده باشد آنوقت چه خواهد کرد؟ بدیهی است در صورتیکه ولی داشته باور جوع میکنند زیرا ولی مسؤل است جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهادی از طرف آقای دکتر طاهری رسیده قرائت میشود

(باین نهج خوانده شد)

مقام منبع ریاست .
پیشنهاد میکنم تبصره ماده ۶ حذف شود .
دکتر طاهری

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(باین عنوان قرائت گردید)

پیشنهاد میکنم در تبصره ۶ عوض کلمه جاری میشود نوشته شود جاری نمیشود .

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده هفتم - مفاد ماده ۴ و ۵ این قانون در مورد مرور زمان در دعوی راجعه باموال غیر منقوله نیز جاری است ولی در صورت انقطاع مدت مرور زمان جدید پنجسال علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود .

رئیس - آقای وثوق

وثوق - عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست

رئیس - مخالفی نیست؟ (اکثر نمایندگان - خیر)

ماده هشتم قرائت میشود

(باین کیفیت قرائت شد)

ماده هشتم - دعوی راجع بدیون و حقوق و اموال منقول که در تاریخ اجرای این قانون مطابق مقررات این قانون مرور زمان نسبت بانها حاصل شده یا کمتر از دو سال بحصول مرور زمان مانده باشد تا دو سال پس از تاریخ اجرای این قانون در محاکم عدلیه پذیرفته خواهد شد مشروط بر اینکه در تاریخ اجرای این قانون از تاریخ منشأ و تولید دعوی بیش از سی سال نگذشته باشد

رئیس - آقای وثوق

وثوق - بنده يك قسمت از عرایضم را در موقع نذر در کلیات عرض کردم و با این ماده هم مخالفم. و مذاکرات

دو سال را کم میدانم خوب است موافقت بفرمائید که پنجسال باشد. برای اینکه در بعضی از جاها است که محکمه صلحیه نیست مثل ایلات و سایر جاها که از اطلاع قوانین و خیلی چیزها بی بهره هستند و برایشان وسائل اطلاع و فهم مسائل فراهم نیست. در اینجاها چطور میتوان با این مدت کم اجرا کرد؟ باین جهت بنده از آقای وزیر عدلیه تقاضا میکنم موافقت بفرمائید که مدت سه سال پنج سال باشد

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - اگر نظر آقا این باشد که در بعضی از نقاط مراجعی نیست که مراجعه و رسیدگی کند بنده گمان میکنم مطابق قانون هر نقطه که محکمه ندارد باید به نزدیک ترین محاکم دسترس مراجعه کنند و اگر تصور میفرمائید در آن نقطه که هیچوقت محکمه دایر نخواهد شد چه میشود که در این صورت پنجسال هم کافی نخواهد بود علاوه بر آن ممکن است يك نفر دیگر پنجسال را هم کافی نداند و يك مدت دیگری را هم پیشنهاد کند. بنده تصور میکنم این مسئله يك راه حلی برای قطع دعوی است مخصوصاً این قسمت را کمیسیون اضافه کرده که نسبت به مدت گذشته اگر مردم دعوی داشته باشند و مرور زمان شامل حالشان باشد يك وقت و بحالی داشته باشند. البته تصدیق میفرمائید که دو سال يك مدت کافی است که در این مدت هر کس هر دعوائی دارد برود و عرضحال دهد و بیشتر از این نمیشود و لزومی هم ندارد.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - موافقم .

رئیس - آقای کبای نوری

کیسای نوری - عرضی ندارم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - خوب است آقای وزیر عدلیه چه داشته باشند باین که هنوز موفق نشده ایم که در تمام مملکت محاکم صلحیه و ابتدائی که محتاج الیه است باندازه لازم داشته باشیم. راست است که بقدر کافی ایشان اقدام کرده اند لکن در غالب جاها هنوز محکمه ابتدائی و صلحیه نداریم. و يك مسأله هم آقای ملک مدنی فرمودند که واقع شده و صحیح بود بنا براین عقیده بنده این است که يك جمله اضافه شود و نوشته شود در آنجاهاست که هنوز محکمه عدلیه تشکیل نشده از تاریخ تشکیل محکمه دو سال وقت است تا نظیر عدالت هم نسبت بانها شده باشد. این هم مانعی ندارد.

جمعی از نمایندگان - صحیح است. مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادی از آقای وثوق راجع بماده ۸ رسیده قرائت میشود

(باین عبارت خوانده شد)

(مقام عالی ریاست مجلس مقدس)

بنده پیشنهاد میکنم که مدت ماده پیشنهادی کمیسیون در ماده ۸ پنجسال نوشته شود «سید مرتضی وثوق»

رئیس - ماده نهم قرائت میشود

(باین ترتیب قرائت شد)

ماده نهم - مقررات این قانون بهیچ وجه ناسخ مقررات قانون تجارت راجعه بمرور زمان نخواهد بود جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - رای میگیریم بورد در شور ثانی ... ماده الحاقیه را هم قرائت میکنم بعد رای میگیریم.

(ماده الحاقیه پیشنهادی آقای دکتر طاهری باین عبارت خوانده شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه - نسبت بدینی که مشروط بشرط بوده و شرط هنوز موجود نشده باشد و نسبت بدین مؤجل مادام که وعده آن نرسیده مرور زمان جاری نمیشود و همچنین است نسبت بودیعه

رئیس - از آقای فرهنگ هم يك ماده الحاقیه رسیده است .

(باین مضمون قرائت شد)

ماده الحاقیه را پیشنهاد مینمایم .

ماده الحاقیه - - وزارت عدلیه مکلف است این قانون را بوسیله جراید و اعلانات چاپی بتمام قراء و قصابات و تمام شهرها منتشر نماید . (مخبر فرهنگ)

رئیس - رأی گرفته میشود بورود درشور دوم لایحه

آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اکثر بر خاستند)

۹) ختم جلسه و دستور جلسه بعد

رئیس - تصویب شد در دستور دیگر چیزی نداریم بطوریکه آقایان اطلاع دارند ما سه فقره لایحه داریم که خیلی مناسب بود میتوانستیم در روز پنجشنبه آنها را انجام بدهیم . بعضی لایحه مربوط بمخدرات است از قبیل کوکائین و غیره یکی آبله کوبی اجباری و یکی هم لایحه اعزام محصلین است یعنی تکثیر عده محصلین . و این مقصود وقتی برای ما میسر خواهد شد که کمیسیون داخله با ما مساعدت کنند و امروز عصری جلسه داشته باشند در این صورت میتوان لوائح را طبع و توزیع کرد که رای روز پنجشنبه ما آخرین تکلیفمان را اداره کرده باشیم و الا می ماند برای روز بعد (شنبه)

مرتضی قلیخان بیات - ولی آقا حاضر نمیشود

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده عقیده ام این است خوبست ما جلسان

را برای بعد از عاشورا قرار بگذاریم . بالاخره این

لوائح چندان اهمیت ندارد . که اگر فرضاً چند روزی تأخیر بیفتد مهم باشد . اینها کار فوری نیست . اگر بخواهیم شور ثانوی آن عهد را هم مطرح بکنیم باز يك فرجه پنج شش روزه لازم است . بنا بر این اگر جلسه را برای بعد از عاشورا و چهاردهم یازدهم محرم قرار بدهیم بعقیده بنده بهتر است . (گفته شد صحیح است)

رئیس - خوب . مخالفی که نیست همینطور باشد .

عدل - بنده مخالفم .

رئیس - فرمائید .

عدل - بعد از عاشورا تعطیل بزرگ در پیش است

بنده تصور میکنم که اگر از حالا ما بخواهیم تعطیل کنیم غلط است و عقیده ام این است این کارها را خوبست ما تا عاشورا تمام کنیم . و تا بعد از عاشورا ما در سه جلسه کار داریم (بعضی از نمایندگان فرصت نیست نیرسد همه) و بنده صلاح میدانم که مقتضی باشد که از حالا تا عاشورا ما تعطیل کنیم . مگر ما چه کاری داریم ؟ هوا هم هنوز اینقدر ها گرم نشده خوبست ما تا عاشورا را هم کار کنیم .

رئیس - رأی میکنیم آقایانیکه موافقند جلسه آینه

یازدهم محرم باشد قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . دستور شور ثانوی عهدنامه

ها و قرار داد ها و لایحه مرور زمان .

(مجلس نیمساعت از ظهر گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر